



**فرونشست زمین
به حرم امام رضا (ع) رسید**

رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی با اشاره به توسعه پهنه‌های فرونشستی در مشهد گفته است که فرونشست به سمت شمال غربی شهر مشهد رسیده که نرخ این فرونشست حدود ۲۰ سانتی متر در سال است. این فرونشست وارد شهر شده و به تدریج به مرکز شهر توسعه و حوالی حرم امام رضا (علیه السلام) و اماکن مذهبی رادگر می‌کند. به گزارش ایلنا، علی بیات‌اللهی گفت که این مطالعات درباره وضعیت فرونشست در استان خراسان رضوی نشان می‌دهد که پهنه‌های فرونشستی در این استان ۵ برابر وسعت فرونشست‌های اصفهان است که جزو استان‌های وسیع فرونشست محسوب می‌شود. «این فرونشست‌ها در بلندمدت ویرانگر خواهند بود و دلیل اصلی آن هم افت سطح آب زیرزمینی است که در برخی از استان‌ها این موضوع به‌مرز بحران رسیده است. موضوع مهم این است که در امتداد فرونشستی استان خراسان رضوی می‌بینیم که این فرونشست به سمت شمال غربی شهر مشهد رسیده که نرخ این فرونشست حدود ۲۰ سانتی متر در سال است که وارد شهر شده است.»



فرش‌های سعدآباد پیدا شدند

اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سوالی درباره آخرین وضعیت پرونده سرقت فرش‌های کاخ سعدآباد گفته است که در رابطه با این موضوع در مرجع قضایی مرتبط پرونده تشکیل شده است و افرادی به‌عنوان مطلع احضار شده‌اند و تحقیقات مقدماتی به عمل آمده است. او ادامه داد: «برخی از این فرش‌ها که مدعی بودند به سرقت رفته است، در دستگاه‌های دولتی پیدا شدند و از این‌منظر اصولاً بحث سرقت اتفاق نیفتاده است؛ موضوع این است که بدون رعایت تشریفات قانونی و ضوابط و مقررات اصطلاحاً سهل‌انگاری شده است که شائبه سرقت را مطرح می‌کنند.»



۳ روز گردوخاک در ایران

پژوهشگاه هواشناسی و علوم جو کشور اعلام کرد که از روز سه‌شنبه تا پنجشنبه هفته جاری گردوخاک با شدت‌های مختلف ایران و کشورهای همسایه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. جدیدترین گزارش به‌روزسانی شده پیش‌بینی گرد و خاک ایران و ۲۳ کشور همسایه بر مبنای خروجی مدل WRF-CHEM مرکز بین‌المللی مطالعات گردوخاک پژوهشگاه هواشناسی و علوم جو کشور، طی روز پنجشنبه (۲۴ خردادماه) گردوخاک روی سواحل غربی و شرقی دریای سرخ، عراق، کویت، جنوب سوریه، عمان، جنوب یمن، بخش‌های غربی و شرقی عربستان، پاکستان، افغانستان، دریای خزر و سواحل غربی و شرقی آن، شرق آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان، ترکمنستان و مرز مشترک دریای خزر و روسیه با شدت‌های مختلف گسترده‌تر خواهد شد. در ایران جز شمال کرمان، شرق اصفهان، یزد، شرق فارس و شمال اردبیل سایر استان‌ها شاهد گردوخاک با شدت‌های مختلف خواهند بود و بیشترین شدت گردوخاک در بوشهر، غرب فارس، جنوب و مرکز خوزستان و جنوب شرقی سیستان و بلوچستان پیش‌بینی می‌شود.

جامعه و انتخابات



انتخاب سخت

**بررسی وضعیت فعلی جامعه ایران در آستانه انتخابات
در گفت‌وگو با متخصصان حوزه‌های اجتماعی**

جامعه را فرآ گرفته؟ پاسخ منفی است. طبیعتاً بخشی از جامعه هنوز انگیزه کافی و لایم برای مشارکت در انتخابات را دارند، بخشی هم ندارند و چنانچه گشایشی جدی و واقعی در حضور کاندیداهای شایسته، ملی و سلامت صورت گیرد وضعیت ناامیدکننده موجود می‌تواند تا حدودی ترمیم شود.»

این جامعه‌شناس درباره علت‌های این موضوع می‌گوید اگر بخواهیم علل راسته‌بندی کنیم، یکی این است که تجربه‌های قبلی این استنباط را به‌وجود آورده که مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها تأثیر مشهود و مشخصی ندارد؛ «بخشی معتقدند که مشارکت‌شان نتنها تأثیر مشخص و مشهود مثبتی نداشته بلکه علیه شهروندان هم استفاده شده است؛ مثلاً شعارهایی که سه سال قبل برای انتخابات ریاست جمهوری داده شد و البته شعارهای عوام‌پسند و جامعه‌پسندی بود، نتنها محقق نشده، بلکه حلقه فشار اقتصادی روی گلولی مردم تنگ‌تر هم شده است؛ وعده‌هایی که در زمینه گشایش اقتصادی و کم‌کردن تأثیر تحریم‌ها بر زندگی مردم می‌دادند یا وعده کنترل تورم، وعده‌هایی در زمینه مسکن و رسیدگی به طبقات آسیب‌پذیر، ولی مردم عملاً دیدند که نتنها اتفاق مؤثری نیفتاد بلکه این حلقه تنگ‌تر هم شد و از طریق تورم افسارگسیخته، گرانی، اعمال فشارهای نابجا، غیرموجه و ظالمانه در قالب نظام مالیاتی، شرایط سختی به مردم تحمیل شد. مردم شاهدند که دولت مانند یک جاویروقی جیب‌شان را می‌بلعد، در بخش خدمات رفاهی و نظام سلامت هم هزینه‌ها، به‌صورت پیدا و در مواردی پنهان، افزایش‌های ناموجه پیدا می‌کند و مردم را به فقر فلاکت نزدیک می‌کند. این عوامل باعث می‌شود مردم احساس کنند که مشارکت‌شان نتنها مؤثر نبوده که سبب فلاکت‌شان هم شده است.» او در ادامه درباره مسئله حریم و امنیت اجتماعی می‌گوید: «در بخش منزلت و حریم اجتماعی شهروندان هم شاهدیم که حریم و امنیت اجتماعی شهروندان رو به مخاطره رفته و نیروی انتظامی و... در تمام بخش‌های زندگی شهروندان مداخله می‌کنند؛ از زاد و ولد و سبک زندگی و مسائل روزمره تا دسترسی به خدمات اجتماعی مانند اینترنت و... اگر تمام این مسائل در قالب یک گزاره مطرح شود، آن گزاره این است که تخلف از وعده‌ها، همچنین انجام اقداماتی خارج از وعده‌های داده‌شده و به‌صورت ناگهانی تحمیل آنها به مردم است. فشارهای مضاعف که از نظر اجتماعی و اقتصادی به مردم وارد می‌شود، بخشی از این گزاره است که باعث دلسردی مردم و ناامیدی آنها می‌شود.» براساس اعلام او، در بخش دوم این گزاره هم تشدید نابرابری‌ها قرار دارد. شهروندان شاهدند که روزبه‌روز نابرابری‌های طولی و عرضی در جامعه گسترش پیدا می‌کند و در این میان گروهی به‌صورت خاص حمایت می‌شوند: «جامعه به سمت خاص گرایی حرکت می‌کند و عام‌گرایی که متضمن عدالت، برابری و جامعه آزاد است، روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شود و خاص بودن در قالب آفازادگی، وابستگی‌های جناحی و... در شایسته‌سالاری ارچیت پیدا می‌کند. ازسوی دیگر شاهدیم گروه اندکی که در جزیره کوچکی مستقر بودند، تمام امور کشور را در تمام بخش‌ها در دست گرفته‌اند و حاضر به تجدیدنظر در انکاره‌ها، باورها و خروجی‌های نگران‌کننده عملکردشان نیستند. به‌طوری که وقتی مسئولان و وزرا صحبت می‌کنند، تصویر می‌شود که درباره وضعیت یک کشور دیگر حرف زده می‌شود و مربوط به ایران نیست. بهشتی از سوی آنها ترسیم می‌شود که در آن تورم، گرانی، بیکاری و ناامنی وجود ندارد. جامعه این ادعاها و آمارها را می‌شنود، اما در زندگی روزمره ناکامی و شوربختی



**میرطاهر موسوی
جامعه‌شناس:**

حضور مردم در انتخابات با هر درصدی که می‌خواهد باشد، چه زمانی که ۲۶-۲۵ میلیون نفر رأی دادند یا ۱۷-۱۶ میلیون نفر به آقای رئیسی، چه در دوره پیش‌رو، هیچ کدام از اینها مشارکت به‌معنای حرفه‌ای نیست، بلکه یک نوع حضور عمومی و همکاری به‌شمار می‌رود. ما در کشور از مردم به‌عنوان ابزار رأی‌دهی استفاده می‌کنیم



**زهرا جعفرزاده
خبرنگار گروه جامعه**

مردم در شرایط سختی قرار گرفته‌اند، دوره‌ای رفتن پای صندوق‌های رأی یا ماندن در خانه و نگاه کردن به نتیجه انتخابات. مناظره‌ها در جریان است، ۶ کاندیدای ریاست جمهوری، به‌تکاپو افتاده‌اند و یارکشی‌ها شروع شده، وعده‌ها شبیه به هم است، وعده تغییر، کاهش تورم، بهبود شرایط اجتماعی و... و آنها به یاد سال‌های گذشته می‌افتند، به بی‌عهدی‌ها، به افزایش نرخ‌ها، به گشت‌های تذکره‌دهنده، به شعارهایی که از یاد رفت و تنها راهی بود برای کشاندن مردم پای صندوق‌ها، مشارکت مردم به‌تدریج کاهش یافته است. میزان مشارکت مردم در دور یازدهم انتخابات ریاست جمهوری ۲۶ میلیون و ۷۰۴ هزار و ۱۵۶ نفر بود که در دور دوازدهم به ۴۱ میلیون و ۲۲۰ هزار و ۱۳۱ رأی رسید و حکایت از رشد ۱۰/۹ درصدی شرکت‌کنندگان در انتخابات داشت. اما در دور سیزدهم، ماجرا تغییر کرد، براساس اعلام وزارت کشور، از ۵۹ میلیون و ۳۱۰ هزار و ۳۰۷ نفر واجد شرایط رأی‌دادن در این دور از انتخابات، تعداد ۲۸ میلیون و ۹۳۳ هزار و ۴ نفر در آن شرکت کردند؛ یعنی ۴۸/۸ درصد. حالا اما پیش‌بینی‌ها از مشارکت ۴۰ تا ۵۰ درصدی در چهاردهمین دور انتخابات حکایت دارد. باین‌حال اما جامعه‌شناسان معتقدند که شرکت در انتخابات را نباید در قالب مشارکت اجتماعی یا سیاسی قرار داد. این اتفاق، همکاری موقت و گذراست. آنها معتقدند که اعتماد عمومی کاهش یافته و مردم به‌تغییر، امید می‌نارند. آنها دچار سرخوردگی شده‌اند.

مسئله مشارکت اجتماعی اما نکته‌ای است که از سوی متخصصان جامعه‌شناس مطرح می‌شود و مورد تردید است. چندروز پیش بود که مرکز افکارسنجی ایسپا، آمار میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری را منتشر کرد. براساس این نظرسنجی در روزهای ۱۹ و ۲۰ خردادماه، یعنی پیش از معرفی نامزدهای تأیید صلاحیت شده ریاست جمهوری، با جامعه آماری ۳۹۰۶ نفر از افراد بالای ۱۸ سال ساکن در ۳۱ استان کشور، ۴۴/۴ درصد از شهروندان گفته‌اند قطعاً در انتخابات ریاست جمهوری مشارکت خواهند کرد و ۷/۳ درصد اشاره داشتند به احتمال زیاد در این انتخابات شرکت می‌کنند. ۲۸/۷ درصد از مردم بیان داشتند به‌هیچ‌وجه در این انتخابات شرکت نخواهند داشت و نزدیک به ۱۵ درصد نیز هنوز در خصوص شرکت یا شرکت نکردن در انتخابات تصمیم نگرفته و مرددند. باین‌حال اما جامعه‌شناسان معتقدند که اینها مشارکت نیست، همکاری موقتی است که نمی‌توان از آن تعبیری از مشارکت سیاسی مردم داشت.

شکاف اعتماد و سرمایه اجتماعی

میرطاهر موسوی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه درباره شرایط اجتماعی جامعه فعلی در آستانه انتخابات، نکات مهمی می‌گوید. او به‌هم‌میهن می‌گوید انتظار که به‌منظر می‌رسد جامعه برای انتخابات آمادگی کافی ندارد، با این توضیح که: «این مسئله به‌دلیل شرایط انقباضی است که جامعه در آن قرار دارد و سرخوردگی‌هایی که به شکل‌های مختلف به جامعه تحمیل شده، و به‌وجود آمده است. جامعه از فضای انتخاباتی فاصله گرفته و دچار شکاف است؛ شکاف اعتماد و سرمایه اجتماعی. حال سوال اینجاست که آیا این شکاف اعتماد، سرمایه اجتماعی و سرخوردگی‌ای که وجود دارد، صددرد

را می‌بینند. اینها نکاتی است که در کاهش انگیزه مردم تأثیر دارد و اعتماد و سرمایه اجتماعی، همچنین امید به آینده را کم می‌کند.»

وضعیت نگران‌کننده سرمایه اجتماعی

قرار بود از سال ۸۴ تا انتهای برنامه چهارم توسعه، برای سنجش سرمایه اجتماعی هر سال پیمایش‌هایی انجام شود اما به گفته این جامعه‌شناس، در این مدت تنها یکبار پیمایش توسط نهاد آشنگاهی انجام، سپس در سال‌های ۹۳ و ۹۴ و ۱۴۰۰ هم در وزارت کشور وضعیت سرمایه اجتماعی ایران استخراج شد: «تصویر واقعی و عینی که از مجموع این پیمایش‌ها می‌توان ارائه داد این است که جامعه از یک وضعیت سرمایه اجتماعی نگران‌کننده به سمت سرمایه اجتماعی بسیار نگران‌کننده رسیده است. یعنی در سال ۸۵ که سرمایه اجتماعی سنجیده شد، سرمایه اجتماعی ضعیف و ناآرام در ایران ۴۴ درصد بود و بعد از این بازه زمانی و انجام چند دوره پیمایش، در سال ۱۴۰۰ حدود ۸۲ درصد مردم از سرمایه اجتماعی کم و بسیار کم برخوردار هستند. بنابراین در نهایت ۸۲ درصد سرمایه اجتماعی کم و ۱۸ درصد سرمایه اجتماعی خوب و تا حدودی خوب است. یعنی جامعه در یک وضعیت دوقطبی قرار گرفته و سیاست‌گذاران باید زنگ خطر را متوجه شوند.» موسوی در ادامه این پرسش را مطرح می‌کند که آیا اقدامات و حضوری که مردم در انتخابات دارند به‌عنوان مشارکت تلقی می‌شود یا یک حضور مقطعی و همکاری؟ و پاسخ می‌دهد: «حضور مردم در انتخابات با هر درصدی که می‌خواهد باشد، چه زمانی که ۲۶-۲۵ میلیون نفر به آقای روحانی رأی دادند یا ۱۷-۱۶ میلیون نفر به آقای رئیسی، چه در دوره پیش‌رو، هیچ کدام از اینها مشارکت به‌معنای حرفه‌ای نیست، بلکه یک نوع حضور عمومی و همکاری به‌شمار می‌رود. به‌منظر می‌رسد در ایران مشارکت نداریم، چرا؟ چون مشارکت چند ویژگی دارد. یکی از ویژگی‌های آن این است که انجمنی باشد، یعنی نهادمند و سازمان‌یافته. مادر کشور از مردم به‌عنوان ابزار رأی‌دهی استفاده می‌کنیم، آنها یک روز رأی می‌دهند و می‌روند؛ نه به‌صورت نهادمند و متشکل پیگیر خواسته‌هایشان می‌شوند، نه مسئولان گوش‌شان به‌دکار خواسته‌های آنهاست. همه اینها همکاری است. مشارکت باید نهادمند و انجمنی به‌شمار می‌رفت. مشارکت باید هدفمند و در سطوح مختلف این هدف‌گذاری شفاف و توافق‌شده باشد. اصل استمرار و پایداری در امر مشارکت یک قاعده بسیار مهم است.» براساس گفته این جامعه‌شناس، در یک الگوی مشارکتی رأی‌گیرندگان باید موظف به پاسخگویی در قبال تعهدات و میثاق مشترک با شهروندان و رأی‌دهندگان بوده و از طرفی رأی‌دهندگان و مشارکت‌کنندگان بتوانند فارغ از ترس، تهدید و تنبیه مطالبات خویش را بیان و خواستار تحقق آنها باشند: «زمانی که این ویژگی‌ها نباشد، قطعاً شرکت در انتخابات، مشارکتی نیست و ارزش اجتماعی بالایی ندارد. حتی آن ۲۶ میلیون نفری که سال ۹۶ رأی دادند و بعدش شاهد گسست بین شعارها و نتایج آن بودیم، مشارکت نهادمند و واقعی تلقی نمی‌شود. به‌هر حال پاسخگو نبودن به ۲۶ میلیون رأی، به‌ضرر مردم تمام شد، در سال ۹۶ وعده‌هایی داده شد که بیشترشان محقق نشد که البته عواملی دخیل بودند، یا ضعف دولت بود یا نبود، مسائل دیگر هم ممکن است در این موضوع نقش داشته باشند، مثل بی‌وفایی به تعهدات یا موانع درون حاکمیتی، موانع بین‌المللی و تحریم‌ها. این اتفاق در سال ۱۴۰۰ هم تکرار شد. مردم در میزان پایین، پای صندوق‌های رأی رفتند و در شرایط شبه‌گلخانه‌ای رأی دادند. به‌هر حال تعداد کاندیداهای محدود بود و حدس زده می‌شد که چه کسی رئیس جمهور می‌شود. بعد از انتخابات همانطور که مدنظر برنامه‌ریزان بود، سیستم یکدست و هماهنگ شد و این بار نیز به‌مطالبات مردم نه‌تنها پاسخی داده شد، بلکه روزبه‌روز حلقه محاصره اجتماعی و اقتصادی تنگ‌تر شد. شرایط اجتماعی طوری شده که زنان از دیدن پلیس، دچار حمله عصبی می‌شوند. این مسئله حتی برای مردان هم اتفاق می‌افتد.»

پیچیدگی‌های استقرار دو دولت

او معتقد است که مردم (به شعارهایی) رأی می‌دهند اما چیز دیگری از آن در می‌آید. در شعارهای انتخاباتی سال ۱۴۰۰ اعلام شد که به‌امر به‌معروف اجباری پوشش مردم کاری نداریم و بنا نباشد، گشت امر به‌معروف مدیران تحقیق باید، دسترسی مردم به منابع ثروت ملی عادلانه و کسب‌وکارشان ارتقا پیدا کند، بدون تحریم شرایط اقتصادی و سروسامان پیدا می‌کند و ده‌ها وعده دیگر: «اما حالا شاهدیم که در نامطلوب‌ترین وضعیت در نماگرهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی طی ده‌های اخیر هستیم. برآورد این است که جامعه ایران در وضعیت آتومیک در چهار بخش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار دارد و متأسفانه این نومی در حال پدیدار شدن است و به یک هنجار و روش دائمی تبدیل می‌شود و جامعه ضعیف‌شده فعلی ما را می‌تواند ضعیف‌تر کند.» او در ادامه این پرسش‌ها را بیان می‌کند که در شرایط فعلی چه باید کرد و توضیح می‌دهد: «در ایران با مشکلات متعددی روبه‌رو هستیم که دو مشکل اصلی را اگر بخواهیم نام ببریم، نخست این که جامعه با یک دولت دوسر مواجه است. یعنی دو دولت در ایران مستقر است؛ یک دولت خیلی بزرگ، مؤثر، غیر پاسخگو و غیرشفاف و یک دولت آشکار و بسیار کوچک با اختیارات کمتر. یعنی نوعی بزرگ‌سری و کوچک‌سری در دو دولت پیش‌گفته وجود دارد.» او می‌گوید، تصور این است که کاندیداهای ریاست جمهوری در سال‌های گذشته با دچار ساده‌انگاری بودند یعنی فکر می‌کردند که دولت رسمی که کوچکتر است در مقابل دولت بزرگتر می‌تواند موفق به تدبیر امور فارغ از اعمال دخالت‌ها باشد، یا اینکه تصور کرده بودند که می‌توانند میان این دو دولت و دوسر هماهنگی ایجاد کنند که در عمل، ساده‌اندیشان و گروه دو نام ناکام ماندند. کاندیداهای فعلی هم باید این نکته را برای خودشان تعیین تکلیف کنند که آیا می‌خواهند این وضعیت را اصلاح کنند یا دچار ساده‌انگاری پدیده‌های پیچیده‌اند؟ این جامعه‌شناس تاکید می‌کند که در شرایط باید تعادل و تقارن میان دولت و ملت صورت گیرد: «در حال حاضر در جامعه ایران مردم، عرصه عمومی و نهاد‌های آن دچار محدودیت‌های نوشته و نانوشته